

به نام خدا

بررسی قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مقایسه آن با نهاد اعسار در فقه امامیه

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	پیشینه تقنینی
۳	بررسی قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی
۷	بررسی اختصاری نهاد اعسار و افلاس در فقه امامیه
۱۱	مقایسه بین نهاد اعسار در قوانین موضوعه و نهاد اعسار در فقه
۱۳	بررسی امکان حذف «حبس» در محکومیت‌های مالی
۱۵	نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها
۱۷	منابع و مآخذ



بررسی قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مقایسه آن با نهاد اعسار در فقه امامیه

چکیده

طبق قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، کسانی که محکوم به پرداخت مالی به غیر شده‌اند در صورت نپرداختن و معسر نبودن حبس خواهند شد و اثبات اعسار نیز برعهده آنان خواهد بود، لکن از نظر فقهی، اثبات اعسار در همه موارد برعهده محکوم‌علیه نمی‌باشد و محکوم‌علیه در صورتی که ماطل باشد محبوس خواهد شد. در این گزارش ابتدا به مقایسه نحوه اثبات اعسار در قانون مذکور و در فقه امامیه می‌پردازیم و پس از آن به عدم امکان حذف حبس در محکومیت‌های مالی نیز اشاره‌ای خواهیم داشت و در پایان نیز ۲ پیشنهاد برای بهبود روند اجرای محکومیت مالی ارائه شده است.

مقدمه

ناتوانی یا ادعای ناتوانی بدهکار از پرداخت دین یا جزای نقدی پدیده‌ای است که همواره در اجتماع مشاهده می‌شود و آثار حقوقی و اجتماعی مهمی را نیز در پی دارد. به همین دلیل قانونگذاران در هر نظام حقوقی در پی ارائه روش‌هایی برای نظام‌مند کردن نحوه اجرای محکومیت‌هایی است که در اثر ناتوانی یا اظهار ناتوانی در

پرداخت دین یا جزای نقدی پیش می‌آید.

در این گزارش که به بررسی قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ و مقایسه این قانون با نهاد اعسار در فقه امامیه می‌پردازد سعی شده است که به پیشینه تقنینی این قانون، روند اجرای آن در نظام دادرسی فعلی و مهمتر از همه بررسی مختصر اعسار در فقه امامیه (که مبنای فقهی قانون یاد شده است یا باید باشد) و مقایسه این نهاد فقهی با قانون فوق‌الذکر پرداخته شود.

پیشینه تقنینی

درخصوص پیشینه تقنینی اعسار از پرداخت محکوم‌به باید گفت که این امر، از دیرباز مورد توجه نظام‌های حقوقی از جمله فقه اسلامی اعم از عامه و امامیه بوده است (که در بخش‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت). در پیشینه تقنینی نظام حقوقی ایران باید به قانون اعسار و افلاس و اصلاح قانون تسریع محاکمات مصوب ۱۳۱۰/۸/۲۵ و قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۵۱/۴/۱۱ و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ اشاره کرد.

قانون اعسار و افلاس و اصلاح قانون تسریع محاکمات مصوب ۱۳۱۰ در ۴۴ ماده به تصویب رسیده بود که با ماده (۴۰) قانون مصوب سال ۱۳۱۳ نسخ گردید. نکته مهم در این قانون شناسایی نهاد افلاس برای غیرتجار می‌باشد.

قانون اعسار مصوب سال ۱۳۱۳ که در ۴۰ ماده به تصویب رسیده بود، معسر را کسی معرفی کرده بود که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود



قادر به تأدیه مخارج محاکم و یا دیون خود نباشد. این قانون در سه فصل اعسار در مورد مخارج محاکم، اعسار در مورد محکوم به و مقررات جزایی تصویب شده بود.

قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۵۱ نیز عموماً درخصوص حکم جزای نقدی و محکومیت به آن بود. نکته پراهمیت در قانون یاد شده ماده (۳) آن است. این ماده بیان می‌دارد که اگر اشخاص به دلیل عدم پرداخت دین (حال دین مستند به حکم دادگاه باشد یا سند لازم‌الاجرا) بازداشت شده باشند به‌ازای هر ۵۰۰ ریال یک روز بازداشت می‌شدند و در هر حال حبس از دو سال تجاوز نمی‌کرد و مدیون نیز نسبت به بدهی‌های قبل از بازداشت معسر محسوب و آزاد می‌شد که این حکم با قانون سال ۱۳۷۷ نسخ گردید.

قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ با نسخ قوانین مغایر از جمله قانون سال ۱۳۵۱، روند جدیدی را درخصوص نحوه اجرای احکام محکومیت‌های مالی بنا نموده است که در ادامه این گزارش به روند اجرای احکام محکومیت‌های مالی در اثر دیون (مواد (۲) و (۳)) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ می‌پردازیم.

بررسی قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ درصدد بیان راهکارهای قانونی جهت اجرای آن دسته از احکامی است که در آنها محکوم‌علیه مکلف به پرداخت مالی به محکوم‌له شده (ماده (۲)) یا اینکه طبق حکم صادره مکلف به پرداخت

جزای نقدی بوده (ماده (۱)) یا مشمول حکم سازمان تعزیرات حکومتی شده است (ماده (۵)).

ماده (۲) این قانون بیانگر حکم قانونی مواردی است که محکوم‌علیه به پرداخت مالی به دیگری محکوم گردیده است؛ حال حکم دادگاه به استرداد عین یا مثل یا قیمت آن بوده یا جبران ضرر یا پرداخت پول و امثال ذلک.

ماده (۲)

«هرکس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به‌صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تأدیه ننماید، دادگاه او را الزام به تأدیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می‌نماید و در غیر این‌صورت بنا به تقاضای محکوم‌له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیه، حبس خواهد کرد.

تبصره - چنانچه موضوع این ماده صرفاً دین بوده و در ذمه مدیون باشد دادگاه در حکم خود مستثنیات دین را منظور خواهد داشت و در مورد استرداد عین در صورتی مقررات فوق اعمال می‌شود که عین موجود نباشد بجز در بدل حیلوله که برابر مقررات مربوطه عمل خواهد شد».

براساس این ماده امتناع محکوم‌علیه در استرداد عین یا مثل یا پرداخت قیمت یا امتناع از پرداخت دین ازسوی وی، در صورتی که معسر نباشد منجر به حبس وی تا یوم‌الادا خواهد شد، لکن با توجه به قاعده منع تحصیل دلیل در آیین دادرسی مدنی و همچنین با توجه به ماده (۳) این قانون، بررسی اعسار محکوم‌علیه در دادگاه تنها با ادعای اعسار



ازسوی وی ممکن می‌گردد و ازسوی دیگر ادعای اعسار وی نیز طبق ماده (۳) تنها ضمن اجرای حبس قابل پذیرش خواهد بود.

ماده (۳)

«هرگاه محکوم علیه مدعی اعسار شود (ضمن اجرای حبس) به ادعای وی خارج از نوبت رسیدگی و در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد خواهد شد و چنانچه متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود دادگاه متناسب با وضعیت مالی وی حکم به تقسیط محکوم به را صادر خواهد کرد».

براساس این مطالب نتیجه‌گیری می‌شود که طبق مواد (۲) و (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی کلیه محکومین به پرداخت مال یا استرداد عین یا مثل آن پس از صدور حکم قطعی و درخواست محکوم له، حبس می‌شوند و پس از حبس و در ضمن آن می‌توانند درخواست اعسار را تقدیم دادگاه کنند و در صورتی که دادگاه حکم قطعی به اعسار دهد، از حبس آزاد خواهند شد و امکان طرح ادعای اعسار در حین رسیدگی به دعوا و یا قبل از حبس امکان ندارد.

این رویه از تاریخ تصویب این قانون ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۸۲ جریان داشت. در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رأی وحدت رویه‌ای به شماره ۶۶۳ صادر کرد که در آن تفسیر جدیدی از مواد (۲) و (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی بیان نموده است.

براساس این رأی برای رسیدگی به درخواست محکوم علیه مبنی بر اعسار، قبل از حبس، منع قانونی وجود ندارد و زندانی بودن محکوم علیه شرط لازم جهت اقامه دعوی

اعسار از محکوم به یا درخواست تقسیط آن نمی‌باشد.

«مستفاد از ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ تجویز رسیدگی به درخواست اعسار قبل از زندانی شدن محکوم علیه است و ماده (۳) قانون یاد شده ناظر به رسیدگی خارج از نوبت به درخواست اعسار محکومین زندانی است در هر صورت برای رسیدگی به درخواست محکوم علیه قبل از حبس، منع قانونی وجود ندارد و زندانی بودن محکوم علیه، شرط لازم جهت اقامه دعوی اعسار از محکوم به یا درخواست تقسیط آن نمی‌باشد، بنابراین رأی شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان اردبیل که مطابق این نظر صادر گردیده صحیح و منطبق با موازین تشخیص می‌گردد. این رأی به موجب ماده (۲۷۰) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه لازم‌الاتباع است».

پس از صدور رأی وحدت رویه فوق، رویه رسیدگی به محکومیت‌های مالی در اکثر دادگاه‌ها بدین صورت است که پس از صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت مالی، محکوم علیه می‌تواند قبل از حبس نیز ادعای اعسار کند، لکن اگر رسیدگی به ادعای وی قبل از تقاضای محکوم له به حبس وی، منجر به صدور حکم قطعی اعسار نشود محکوم علیه حبس خواهد شد و پس از صدور حکم قطعی اعسار آزاد می‌گردد و اگر قبل از تقاضای محکوم له به حبس، حکم قطعی مبنی بر اعسار صادر شود، حبس محکوم علیه مجاز نخواهد بود.

البته باید گفت که رویه تمام دادگاه‌ها رسیدگی به ادعای اعسار در دعاوی مطالبه مهریه در حین دعوی اصلی (مطالبه مهریه) می‌باشد. مستند این رویه نیز بخشنامه رئیس قوه قضائیه با نام شیوه‌نامه اجرایی نحوه ارشاد و رسیدگی به پرونده‌های



مطالبه مهریه و اعسار (به تاریخ ۱۳۸۵) می‌باشد.

نکته قابل ذکر در این باب این است که هرچند رویه دادگاه‌ها در دعاوی مطالبه مال، غیر از دعاوی مطالبه مهریه اکثراً بر عدم پذیرش ادعای اعسار قبل از صدور حکم قطعی محکومیت است، لکن شایسته است که تمام محاکم همانند دعاوی مطالبه مهریه در صورتی که مدیون دین را بپذیرد ادعای اعسار را در ضمن دعاوی اصلی رسیدگی کنند، زیرا که دلیل رسیدگی همزمان اعسار با مطالبه مهریه در محکمه همانا پذیرش و اقرار زوج به مهریه است (ماده ۸) شیوه‌نامه اجرایی نحوه ارشاد و رسیدگی به پرونده‌های مطالبه مهریه و اعسار، لذا در صورتی که در دعاوی دیگر نیز مدیون به وجود دین اقرار کند، باید به اعسار در ضمن دعاوی اصلی رسیدگی شود که رویه تعدادی از محاکم نیز همین است.

بررسی اختصاری نهاد اعسار و افلاس در فقه امامیه

همان‌گونه در مقدمه بیان گردید در تمام یا اکثر نظام‌های حقوقی پدیده اعسار و احکام آن بررسی شده؛ در فقه امامیه نیز در ابواب مختلفی از جمله حجر، دین ذیل عناوین افلاس و اعسار بدین موضوع پرداخته شده است.

لازم به ذکر است که بین افلاس و اعسار در فقه امامیه تفاوت وجود دارد و اعسار در مواجهه با ناتوانی مطلق از پرداخت دین و افلاس در مواجهه با ناتوانی نسبی از پرداخت دین بررسی می‌شود.

نکته مهم قبل از بیان مختصر احکام اعسار در فقه امامیه این است که مستثنیات

دین از قبیل مسکن، مرکب و امثال ذلک در افلاس و اعسار مورد توجه بوده و این اموال در دارایی‌هایی که باید به غرما پرداخت شود وارد نمی‌گردد.

اعسار

براساس آیه «و ان كان ذو عسرة فنظرة الى ميسرة»^۱ انظار و مهلت‌دهی به معسر از مسلمات فقه امامیه است و براساس نظر فقها مقصود از معسر در این آیه کسی است که افزون بر مستثنیات دین، مالی نداشته باشد، لذا وجوب انظار و مهلت‌دهی در فقه امامیه مشروط به اثبات اعسار مدیون در نزد حاکم است و با ظهور اعسار وی، حبس وی جایز نخواهد بود، اما در مواردی که مسلم بودن وجود مال (غیر از مستثنیات دین) برای مدیون در نزد حاکم احراز شود، مدیون به تسلیم مال امر شده و اگر امتناع کند مماطل (به معنای کسی که از پرداخت دین امتناع می‌کند) محسوب می‌شود و در نتیجه، حاکم یا وی را تا یوم‌الادا حبس می‌کند یا مال به‌دست آمده را فروخته و بین غرما تقسیم می‌کند.

فرض بیان شده در مواردی است که وجود مالی غیر از مستثنیات دین برای حاکم مسلم گردد، در غیر این حالت (مسلم نبودن مال نزد حاکم) دو صورت برای مسئله قابل فرض است:

صورت اول - اصل دین مدیونی که مدعی اعسار است، مال یا عوض مال باشد مانند اینکه دین، ناشی از عقد قرض باشد که در این صورت دین مال است، مثال دیگر

۱. سوره بقره، آیه ۲۸۰.



اینکه دین ناشی از عقودی مانند بیع باشد که دین عوض مال محسوب می‌شود، در این حالت به دلیل وجود حالت سابقه ملائت و یسار در مدیون، ادعای اعسار از وی خلاف اصل بوده و محتاج اثبات از جانب وی است و به صرف ادعای اعسار، اعسار وی پذیرفته نشده و مدیون تا یوم‌الادا محبوس می‌شود، زیرا در این حالت وجود مال (مالی که مدیون در اثر عقد بیع یا مثل آن از دائن به دست آورده است) در نزد مدیون محرز و خارج شدن مال از ید مدیون محتاج اثبات است.

صورت دوم - اصل دین مدیونی که مدعی اعسار است، مال یا عوض مال نباشد و از جنایت، اتلاف و عقد ضمان و امثال ذلک ایجاد شده باشد.

در این حالت اصل بر عدم ملائت و یسار مدیون بوده و حالت سابقه یسار و ملائت برای مدیون قابل فرض نیست، لذا دائن باید دلیلی بر ملائت وی اقامه نماید و در صورت عدم ارائه دلیل از سوی وی، قول مدیون مقدم بوده و دائن می‌تواند تقاضای سوگند مدیون را از حاکم نماید و در صورت سوگند، مدیون آزاد بوده و معسر محسوب می‌شود.

دلیل این است که داشتن مال برای هر کسی خلاف اصل می‌باشد (اصل بر عدم ملائت است) و برخلاف حالت قبل که وجود مال مدیون احراز شده است (به دلیل وجود عقدی بین وی و دائن) در این فرض ایجاد دین برعهده مدیون، خارج از اختیار و ملائت وی می‌باشد.^۱

افلاس

در فقه امامیه افلاس در مواردی مطرح است که ناتوانی نسبی از پرداخت دیون به وجود

۱. علی‌رضا عالی‌پناه، ورشکستگی در فقه امامیه، حقوق ایران و مصر، صص ۲۷-۳۰.

آید و در معنای فقهی به عدم کفایت اموال مدیون نسبت به دیون وی اطلاق می‌شود.

در صورتی که عدم کفایت اموال مدیون نسبت به دیون وی نزد حاکم آشکار شود حاکم حکم بر حجر و ممنوعیت وی از مداخله در اموال می‌دهد و سپس اموال وی به تساوی بین غرما تقسیم می‌شود؛ یا به صورت تحویل عین و یا به صورت فروش اموال وی.

این نهاد فقهی ارتباط تنگاتنگی با نهاد ورشکستگی در حقوق تجارت دارد و در ورشکستگی نیز تاجر ورشکسته محجور محسوب می‌شود، لکن تفاوت بین این دو نهاد در این است که ملاک در ورشکستگی، توقف تاجر از پرداخت دیون بوده و حکم نیز مخصوص به تاجر است ولی در افلاس ملاک عدم تکافوی اموال با دیون بوده و حکم در همه افراد اعم از تاجر و غیرتاجر جاری می‌شود.^۱

با توجه به این مطالب تفاوت‌های بین افلاس و اعسار در فقه امامیه مشخص می‌شود:

۱. معسر جز مستثنیات دین مالی را ندارد، لکن در افلاس ممکن است اموال مفلس بسیار بیشتر از مستثنیات دین باشد لکن به دلیل قصور اموال وی از دیون به تقاضای دیان از تصرف در اموال ممنوع شده است.

۲. معسر محجور محسوب نمی‌شود، لکن مفلس محجور است.

۳. احراز اعسار نیازی به حکم حاکم نداشته و حکم وی نیز در این مورد اعلامی است و اگر دائن خود اعسار مدیون را احراز کند، انظار بر دائن واجب است، اما تقلیس تنها به حکم حاکم و با شرایط معینی محقق می‌شود، لذا حکم حاکم در این مورد تأسیسی است.^۲

۱. همان، صص ۲۴-۲۶.

۲. همان، صص ۳۱-۳۳.



مقایسه بین نهاد اعسار در قوانین موضوعه و نهاد اعسار در فقه

در نظام حقوقی ایران روند مواجهه با عجز مطلق و عجز نسبی به اعتبار تاجر بودن یا نبودن شخص و به اعتبار دولتی، عمومی یا خصوصی بودن شخص متفاوت است که در جدول زیر تمام موارد احصا شده است

نوع شخص	وصف شخص به اعتبار حرفه	وصف شخص به اعتبار دولتی، عمومی یا خصوصی بودن		حکم قانونی		
		عمومی	خصوصی	عجز مطلق	عجز نسبی	
حقیقی	تاجر	_____	_____	سکوت (در فقه اداره تصفیه)	قانون تجارت	
	غیرتاجر	_____	_____	سکوت	سکوت	
حقوقی	تاجر	دولتی	_____	سکوت	قانون تجارت	
		عمومی	_____	سکوت	قانون تجارت	
		خصوصی	_____	سکوت	قانون تجارت	
	غیرتاجر	دولتی	_____	_____	سکوت	سکوت
		عمومی	_____	_____	سکوت	سکوت
		خصوصی	_____	_____	سکوت	سکوت
شرکت عملی	با موضوع تجارتي	_____	_____	ابهام و اشکال	ابهام و اشکال	
	با موضوع غیرتجارتی	_____	_____	ابهام و اشکال	ابهام و اشکال	

با توجه به جدول فوق^۱ و مطالب بیان شده درخصوص نحوه اجرای حکومیت‌های مالی در قوانین موضوعه و ازسوی دیگر بررسی نهادهای اعسار و افلاس در فقه امامیه آشکار می‌گردد که:

۱. در قوانین موضوعه ایران افلاس غیرتجار به‌طور کلی جایگاهی ندارد و جز تاجران، افراد دیگر به افلاس و ممنوعیت ناشی از آن (محجوریت) محکوم نمی‌شوند. توضیح اینکه حجر ناشی از عدم پرداخت دیون، در حقوق ایران تنها به تجار اختصاص دارد و احکام آن نیز در باب ورشکستگی قانون تجارت بیان شده است و سایر افراد اعم از اشخاص عادی و یا کسبه جزء در صورتی که دائن طلب خود را مطالبه کنند و اموال آنان نیز کفایت از طلب دیان را نداشته باشد، حکم خاصی در قوانین فعلی بر ایشان متصور نیست؛ در نتیجه در روند عملی مطالبه دین، هرکدام از دیان که بتواند زودتر اقدام کند می‌تواند طلب خود یا قسمتی از آن را وصول کند و در صورت اتمام اموال مدیون (به غیر از مستثنیات دین) غرمای دیگر مجبور به تقاضای حبس وی از دادگاه خواهند بود.

۲. در نظام حقوقی ایران، صرف عدم پرداخت دین موجب جواز تقاضای حبس ازسوی دائن می‌شود. همان‌گونه که بررسی مواد (۲) و (۳) قانون نحوه اجرای حکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ توضیح داده شد پس از صدور حکم قطعی به پرداخت دین و در صورت تقاضای دائن، مدیون حبس می‌شود هرچند وی می‌تواند پس از صدور حکم قطعی تقاضای اعسار کند ولی تا صدور حکم قطعی اعسار، حبس وی بلامانع، فرض شده است.

۱. علیرضا عالی‌پناه، مطالعه تطبیقی در پیرامون مبانی و موجبات و عواقب ورشکستگی، ۱۳۸۶.



این حکم با توجه به مطالب بیان شده در مورد نهاد اعسار در فقه امامیه خلاف شرع می‌باشد، زیرا حبس محکوم‌علیه تنها در حالتی جایز است که وی با وجود اموال تحت مالکیت وی، از پرداخت دین امتناع می‌کند و یا دین وی دارای حالت سابقه است، لکن در مواردی که دین وی حالت سابقه نداشته باشد مانند محکومیت‌های دیه، مهریه و...، حبس مدیون تنها در صورتی مجاز است که دائن ملائت وی را ثابت کند. لذا صدور حکم قطعی مبنی بر پرداخت محکومیت مالی، ملازم با حبس مدیون (ولو به درخواست محکوم‌له) نمی‌باشد.

تنها نکته در مواردی است که مدیون دارای اموال ظاهر و آشکار است که در این حالت وی ممتنع دارا شناخته می‌شود که در این حالت دادگاه می‌تواند با درخواست محکوم‌له، تحقیق در این زمینه را انجام دهد و با اثبات این امر حکم به حبس خواهد داد.

بررسی امکان حذف «حبس» در محکومیت‌های مالی

یکی از نظرات امروزی در خصوص محکومیت‌های مالی این است که حکم حبس در این مورد ناعادلانه بوده و باعث بروز مشکلات بسیاری در خانواده‌ها، اداره زندان‌ها و مسائل اقتصادی جامعه می‌شود، لکن در جواب باید گفت که با توجه به مسائل بیان شده درباره نهاد اعسار در فقه این نظر مسلماً در مواردی خلاف شرع می‌باشد و همین دلیل جهت ردّ این نظر کفایت می‌کند هرچند می‌توان دلایل حقوقی دیگری را نیز در این زمینه ارائه کرد که به برخی اشاره می‌شود:

الف) عدم امکان شناسایی اموال بدهکاران: عدم امکان شناسایی اموال بدهکاران از سوی بستانکاران و ناکارآمدی قوانین و مقررات ثبتی کنونی در کشور از یکسو و عدم کارآمدی مقررات راجع به تنظیم دفاتر تجارتي و مالیاتی از سوی دیگر باعث شده است که شفافیت کافی برای نظارت بر فعالیت‌های تجارتي در جامعه وجود نداشته باشد، لذا در عمل شناسایی اموال بدهکاران از سوی بستانکاران ممکن نیست که این امر باعث متعسر شدن اجرای احکام محکومیت‌های مالی است و راه حل این امر ایجاد تحول اساسی در حوزه قوانین یاد شده است.^۱

ب) نگاه ارفاقی شدید به مقوله مستثنیات دین در قوانین: ماده (۵۲۴) قانون آیین دادرسی مدنی که در مورد مستثنیات دین می‌باشد از نگاه مسامحه‌گرانه شدیدی پیروی می‌کند و عملاً بسیاری از اموالی که بستانکار برای اجرای محکومیت مالی به اجرای احکام معرفی می‌کند در مواد مستثنیات دین قرار می‌گیرد. از سوی دیگر استنکاف برخی دادگاه‌ها از توقیف مستثنیات دین باعث تشدید مشکلات اجرای احکام محکومیت‌های مالی می‌شود و در نتیجه بدهکاران مامل در حاشیه امنی قرار می‌گیرند که دست طلبکاران به آنها نمی‌رسد.^۲

ج) فقدان ضمانت اجراهای مدنی: برخلاف بسیاری از نظام‌های حقوقی، ضمانت اجراهای مدنی در نظم فعلی بسیار ناکارآمد است، لذا بدهکاران در امنیت بیشتری از بستانکاران قرار می‌گیرند. در غالب نظام‌های حقوقی مقرراتی پیش‌بینی شده است که بستانکاران بتوانند با استفاده از آنها مطالبات خود را وصول کنند و همچنین انگیزه

۱. علیرضا عالی‌پناه، گزارش کارشناسی در خصوص اصلاح قانون چک، ۱۳۸۷.

۲. همان.



بدهکار را در ملاحظه در ادای دین کاهش دهد. نظریه‌های مسئولیت مدنی در پی تحقق هدف دوم و نظریه‌ای که از «وثیقه عام بودن اموال بدهکار در مقابل مطالبات بستانکاران» سخن می‌گوید در راستای اجرای اهداف اول ارائه شده است.^۱

مع‌الاسف مقررات کنونی کشور، وافی به مقصود در این زمینه نبوده و عملاً ناکارآمد است که می‌توان به مواد (۲۲۱) قانون مدنی و (۵۲۲) قانون آیین دادرسی مدنی و مواد (۳۰۱) تا (۳۳۷) قانون مدنی و تبصره «۲» ماده (۵۱۵) قانون آیین دادرسی مدنی اشاره کرد.

همچنین در نظام حقوقی ما امکان ابطال معاملات به قصد فرار از دین به دلیل اصلاح ماده (۲۱۸) قانون مدنی که بدین موضوع می‌پرداخت تقریباً غیرممکن است و ماده (۴) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی نیز نتوانست مشکلات ایجاد شده را برطرف کند.

با این بیان مشخص می‌شود که علاوه بر خلاف شرع بودن حذف «حبس» در اجرای محکومیت‌های مالی، در صورت حذف حبس نظام حقوقی ما جایگزینی برای آن نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

نهاد اعسار و افلاس در فقه درصدد ارائه احکامی برای اجرای محکومیت‌های مالی در فقه امامیه می‌باشند.

نهاد اعسار در مواردی است که بدهکار ادعا دارد که جز مستثنیات دین اموالی ندارد (یا ادعا می‌کند که هیچ مالی ندارد). در این صورت دادگاه مکلف است ممتنع دارا (بدهکار مامل) و بدهکارانی که دیون آنها مسبوق به حالت سابقه یسار و ملائت است را حبس کرده و بدهکارانی که اموال ظاهر نداشته یا حالت سابقه عدم ملائت در مورد آنها مفروض است را آزاد بگذارد.

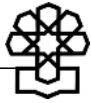
نهاد افلاس در مواردی است که شخص مدیون هرچند اموالی دارد، لکن اموالی وی برای وصول تمامی مطالبات کفایت نمی‌کند. در این مورد برای رعایت تساوی و عدالت در بین غرما، مدیون به حکم حاکم محجور شده و اموال وی به تساوی در بین غرما تقسیم می‌شود.

در حقوق کنونی مقررات ورشکستگی تلاش کرده که در تجار ورشکسته به نوعی تساوی در بین غرما را حاصل کند، لکن مقررات افلاس مربوط به کسبه جزء و سایر اشخاص غیرتاجر در نظام حقوقی ما وجود ندارد.

در مورد اعسار نیز نظام حقوق کنونی کشور، رویه‌ای تقریباً ناسازگار با نهاد اعسار را در پی گرفته است که در فصل نحوه اجرای احکام محکومیت‌های مالی گذشت.

با توجه به این مطالب پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. مقررات افلاس درخصوص همه اشخاص غیرتاجر نیز اجرا شود: با توجه به امکان دسترسی به مقررات افلاس در سایر کشورهای اسلامی از جمله مصر و عربستان و عدم تفاوت کلی فقه امامیه با فقه اهل سنت، می‌توان به راحتی مقررات افلاس را در جمهوری اسلامی ایران تدوین و تصویب کرد (مقررات ورشکستگی نیز



تجار را پوشش خواهد داد) تدوین مقررات افلاس علاوه بر اجرای عدالت در وصول مطالبات غرما باعث شرعی شدن قوانین در این زمینه است زیرا معنا ندارد که با گذشت ۳۲ سال از انقلاب اسلامی، مقرراتی در این زمینه، در نظام حقوقی وجود نداشته باشد.

۲. مقررات اعسار (به خصوص مواد (۲) و (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷) اصلاح شود.

حذف حبس از مقررات اعسار و قانون یاد شده کاملاً غیرشرعی بوده و به دلایل ذکر شده در این گزارش از لحاظ حقوقی نیز امکانپذیر نمی‌باشد. از سوی دیگر حکم حبس در خصوص تمام محکومین به پرداخت مال صحیح نمی‌باشد و تنها باید درباره بدهکاران مامل و بدهکاران دارای حالت سابقه ملائت به تفسیری که در فصل خود گذشت اجرا شود.

منابع و مآخذ

۱. عالی‌پناه، علیرضا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ورشکستگی در فقه امامیه، حقوق ایران و مصر، ۱۳۸۴.
۲. _____ . مطالعه تطبیقی در پیرامون مبانی و موجبات و عواقب ورشکستگی، ۱۳۸۶.
۳. _____ . گزارش کارشناسی در خصوص اصلاح قانون چک، ۱۳۸۷.
۴. قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷.
۵. رأی وحدت رویه قضایی شماره ۶۶۳ مصوب ۱۳۸۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۰۹۰۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مقایسه آن با نهاد اعسار در فقه امامیه

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه حقوق خصوصی)

تهیه و تدوین: محمود رضایی

مدیر مطالعه: علیرضا عالی‌پناه

ناظر علمی: احمد حکیم‌جوادی

مقاضی: کمیسیون قضائی و حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. حبس

۲. محکومیت‌های مالی

۳. اعسار

۴. افلاس

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۵/۲